



The position and impact of criminal tools in expanding and strengthening religious values (case study of hijab)

Mohammad Reza Godarzi¹, Mahdi Chegeni²✉, Hossien Vali Toeserkani³

Abstract

Field and Aims: In the Iranian society, which is based on the humanist school of Islam, observing the hijab is a recognized religious value and observing it is one of the norms of the Iranian Islamic society. The problem that arises is the place of criminal tools in the field of expanding and strengthening religious values such as chastity and hijab in the society. Is it possible to expand and strengthen the observance of a religious value such as the observance of chastity and hijab in the society by using criminal treatment?

Method: The present research is descriptive and analytical.

Findings and Conclusions: Observance of religious values is an internal and conscientious matter, and in order to expand and strengthen religious values in the society, by explaining their place, people themselves should realize the importance of that issue and take steps to observe it. In fact; The use of cultural tools for reforming and educating people has priority and will have a deeper and more lasting effect, and the use of criminal tools should basically be the last resort and be implemented in limited cases.

Keyword: Criminal Tools, Hijab, Expansion and Strengthening, Religious Values.

*Citation (APA): Godarzi, M.; Chegeni, M.; Vali Toeserkani, H. (2023). The position and impact of criminal tools in expanding and strengthening religious values (case study of hijab). *Applied criminology research*, 1(2), 69-84.
https://qacr.ir/article_717868.html?lang=en

1. Master of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Arozma University of Borujerdi, Borujerdi, Iran. Email: m.r.godarzi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Law, Ayatollah Arozma Borujerdi University, Borujerdi, Iran. (Author). Email: chegeni_isu@yahoo.com

3. Master of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: hosein.v.t.1973@gmail.com



جایگاه و تاثیر ابزارهای کیفی در گسترش و تقویت ارزش های دینی (مطالعه موردی حجاب)

محمدرضا گودرزی^۱، مهدی چگنی^۲، حسین ولی تویسرکانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: رعایت حجاب در جامعه ایران که جامعه‌ای مبتنی بر مکتب انسان ساز اسلام می باشد، یک ارزش دینی شناخته شده و رعایت آن از هنجارهای جامعه ایرانی اسلامی می باشد. مسئله‌ای که پیش می آید، جایگاه ابزارهای کیفی در زمینه گسترش و تقویت ارزش های دینی همچون عفاف و حجاب در جامعه می باشد. آیا می توان با استفاده از برخورد کیفی، رعایت یک ارزش دینی مانند رعایت عفاف و حجاب را در جامعه گسترش و تقویت کرد؟

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی می باشد.

یافته ها و نتایج: رعایت ارزش های دینی، امری درونی و وجدانی بوده و برای گسترش و تقویت ارزش های دینی در جامعه، باید با تبیین جایگاه آنها، افراد خودشان به اهمیت آن موضوع پی برده و در راستای رعایت آن گام بردارند. در واقع، استفاده از ابزارهای فرهنگی برای اصلاح و تربیت انسان ها اولویت داشته و اثرگذاری عمیق تر و ماندگارتری هم خواهد داشت و استفاده از ابزار کیفی اساساً باید آخرین راهکار بوده و در موارد محدود، اجرا گردد.

کلیدواژه ها: ابزارهای کیفی، حجاب، گسترش و تقویت، ارزش های دینی.

* استناددهی (APA): گودرزی، محمدرضا؛ چگنی، مهدی؛ ولی تویسرکانی، حسین. (۱۴۰۲). جایگاه و تاثیر ابزارهای کیفی در گسترش و تقویت ارزش های دینی (مطالعه موردی حجاب). پژوهش های جرم شناسی کاربردی، ۱(۲)، ۶۹-۸۴.

https://qacr.ir/article_717868.html

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

رایانامه: m.r.godarzi@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: chegeni_isu@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: hosein.v.t.1973@gmail.com

مقدمه

در هر یک از جوامع بشری، رعایت یک‌سری قواعد و هنجارهایی توسط مردم آن جامعه بر خود و دیگران لازم دانسته می‌شود. حال، اگر آن موضوع برگرفته از یک نگاه دینی باشد، به عنوان یک ارزش دینی شناخته شده و رعایت آن بر مردم آن جامعه لازم شمرده می‌شود. رعایت حجاب در جامعه ایران که جامعه‌ای مبتنی بر مکتب انسان‌ساز اسلام می‌باشد، یک ارزش دینی شناخته شده و رعایت آن از هنجارهای جامعه ایرانی اسلامی می‌باشد. مسئله دیگری که پیش می‌آید، جایگاه ابزارهای کیفری در زمینه گسترش و تقویت ارزش‌های دینی همچون عفاف و حجاب در جامعه می‌باشد. آیا می‌توان با استفاده از ابزارهای کیفری، رعایت یک ارزش دینی مانند عفاف و حجاب را در جامعه گسترش داد و تقویت کرد؟ نگارندگان درصدد بررسی این موضوع هستند که با تحلیل موارد پیش‌گفته، پاسخ این سوال را داده و راهکار و پیشنهادهایی برای مقابله با ناهنجاری‌های مرتبط با حوزه عفاف و حجاب ارائه دهند. لذا، ابتدا به تبیین ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی و در ادامه، به سیاست‌جنایی اسلام در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی پرداخته و در نهایت نیز راهکارهای گسترش و تقویت ارزش‌های دینی و برخورد کیفری با ناهنجاری‌های مربوط به حوزه عفاف و حجاب در جامعه بررسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش و ادبیات نظری

پیشینه پژوهش

مرادی پسند، بشیریه و غلامی دون (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «رسوخ کیفرگرایی به قلمرو کیفری و تاثیر آن بر سیاست‌های کیفرزدا»، به این نتیجه رسیده‌اند که حقوق جزا در طول حیات خود از شیوه‌های مختلفی در پاسخ به جرائم استفاده نموده است. هرچند که نظام عدالت کیفری درصدد یافتن مناسب‌ترین شیوه برای پاسخ به جرائم بوده است، اما معمول‌ترین شیوه توسل به سازوکارهای کیفری بوده است. زمانی که این شیوه به تعیین مجازات‌های نامتناسب، تشدید کیفرها، سخت‌گیری در اجرای آنها منجر شود، گفته می‌شود که کیفرگرایی در قلمرو عدالت کیفری رسوخ یافته است. کیفرگرایی به عنوان یکی از معضلات نظام کیفری با نفوذ به سطوح گوناگون جامعه، اعمال هرگونه سیاست‌های رفاه‌گرایانه‌ی مبتنی بر عقب‌نشینی کیفری را با چالشی اساسی مواجه می‌نماید و زمینه‌ساز شدت‌گرایی، امنیت‌مداری و رویگردانی از سیاست‌های کیفرزدا می‌شود. به همین جهت، لازم است با ارتقاء سطح

آموزش و استفاده از آموزه‌های کیفرشناسی و همچنین، قراردادان الگوی کمینه‌گرایی کیفری، راهکارهایی جهت رهایی از این معضل ارائه نمود.

تقوائی، محمودی و قوامی‌پور سرشکه (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزه‌های اسلامی و سلامت معنوی در پیشگیری از جرائم»، به این نتیجه رسیده‌اند که تعالیم و آموزه‌های حیات‌بخش اسلامی نقش بسزایی در ارتقاء سلامت محیط‌های اجتماعی، پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری دارد؛ چرا که این آموزه‌ها با افزایش خودکنترلی و پرورش سبک زندگی دینی و دینداری در تعاملات و زندگی اجتماعی و فردی، تأثیرات قابل توجهی بر سلامت و آرامش روحی روانی افراد می‌گذارند. در منابع فقهی و اسلامی، به زمینه‌های ایجادکننده گناه و ارتکاب جرم و به پیشگیری از وقوع جرم و گناه، بیشتر از درمان و اصلاح توجه شده است. سبک و اصول پیشگیری دینی و اسلامی با تاثیرگذاری در آموزه‌ها و احکام اجتماعی، فردی و جامعه‌ای، نقش بسیار موثری در پیشگیری از وقوع جرم دارد. تعلیم آموزه‌های دینی در کنار تقویت باورهای دینی از اساسی‌ترین عوامل بازدارنده‌ی جرم، علی‌الخصوص در جوامع اسلامی محسوب می‌شود.

حاجی تبار فیروزجایی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن»، به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه، در جوامع اسلامی به‌ویژه کشور ایران، یکی از نهادهای اجتماعی مهم برای پیشبرد و ترویج فرهنگ اسلامی، نهادهای مذهبی می‌باشند. این نهادها در یک جامعه در قالب تشکل‌ها و مؤسسات دولتی و رسمی و نیز غیردولتی و مردم‌نهاد متبلور می‌شوند. یکی از وظایف اصلی این نهادها، پیشگیری از جرم از طریق مبارزه با عوامل، فرایندها یا موقعیت‌ها و اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم و ناهنجاری اجتماعی با الگوگیری مستقیم از آموزه‌های دین اسلام (قرآن کریم و سنت معصومین (ع) و...) می‌باشد. بنابراین، نهادهای مذهبی می‌توانند سهم بسزایی در تأمین سعادت اخلاقی و اجتماعی یک جامعه از طریق خشکاندن ریشه‌ها، عوامل و موقعیت‌های مؤثر در وقوع جرم داشته باشند.

ادبیات نظری

۱. ارزش

ارزش در لغت با مفهیمی چون اسم مصدر از ارزییدن، عمل ارزییدن، قیمت، بها، ارز، ارج، قدر، برزندگی، شایستگی، زبندگی، قابلیت، استحقاق و... بیان گردیده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲).

ارزش در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است، دارند. ارزش‌های گوناگون نمایانگر و نشان‌دهنده جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسان‌ها می‌باشند. ارزش‌ها به طور معمول از عادت‌ها و هنجارها سرچشمه می‌گیرند. به طور کلی، به کارهایی که برای اعضای گروه اهمیت دارند و آرمان مشترک اعضای گروه قلمداد می‌شوند، ارزش گفته می‌شود. ارزش‌های یک جامعه معمولاً از هنجارهای آن دفاع می‌نمایند و اجازه بروز و ظهور هنجارهای غیرمطلوب را نمی‌دهند (ایمانیان، ۱۳۹۸).

در واقع، ارزش‌ها نظریاتی هستند جامع در خصوص آنچه مطلوب، درست و مناسب می‌باشد و بیشتر اعضای جامعه در داشتن آنها سهم هستند. ارزش‌ها آنچنان عمومی و انتزاعی هستند که به صراحت تصریح نمی‌کنند که چه رفتارهایی قابل قبول و چه رفتارهایی غیرقابل قبول هستند در عوض، ارزش‌ها موازین و برداشت‌هایی در اختیار ما می‌گذارند که با استفاده از آنها درباره ارزش، اعتبار زیبایی یا درستی اخلاق نسبی مردم، اشیا و رخدادها قضاوت می‌کنیم (ادیب، ۱۳۹۹: ۸).

۲. دین

دین در لغت، در مجموعه دین و مذهب به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸). لذا، عبارات آیین، کیش، راه و روش، شریعت و مذهب از مفاهیم آن می‌باشد و از آن فهمیده می‌شود. در حقیقت، دین را می‌توان همان سبک زندگی انسان‌ها دانست که بر پایه عقاید و باورهایی که دارند، شکل گرفته و ایجاد شده است.

۳. ارزش‌های دینی

ارزش‌های دینی، مفاهیم مربوط به اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست می‌باشد، چه چیزی می‌بایست وجود داشته باشد و رخ دهد، است. این ارزش‌ها ناشی از نیروهای فوق طبیعی قلمداد می‌شوند (ادیب، ۱۳۹۹: ۸). به بیان دیگر، ارزش‌های دینی به آن ارزش‌هایی گفته

می‌شود که معنویت را وارد زندگی بشر می‌کند و مقدس می‌باشند؛ ارزش‌هایی که به صورت دستوری هستند و رفتار و اندیشه را در جهتی خاص سوق می‌دهند. ارزش‌هایی که منشأ آنها وحی و فطرت است (محتشم، ۱۳۹۴)، اعتقاد به پذیرش آن دارند و منشأ بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در چنین جوامعی، اعتبار این ارزش‌ها را به پذیرش یا عدم پذیرش عموم مردم وابسته نمی‌دانند و در همه حال، معتبر شناخته می‌شوند (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۵۵).

ارزش‌های دینی، در واقع نوعی از ارزش‌های اجتماعی می‌باشند که مردم برای آن ریشه آسمانی قائل هستند و به همین دلیل مقدس‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۴۵؛ نقل از بروجردی علوی و حداد، ۱۳۹۱: ۲۲۱)؛ ارزش‌هایی همچون رفتار نیکو، تواضع، راستگویی، محبت‌کردن و... که اختصاص به افراد یک دین یا افراد مذهبی و غیرمذهبی ندارند؛ چرا که تمامی آحاد جامعه واجد آن هستند و به فرهنگ کلی جوامع معنا می‌دهند (ادیب، ۱۳۹۹: ۳۸).

۴. هنجارهای اجتماعی

هنجار اجتماعی را می‌توان به الگوهای رفتاری تعریف کرد که روابط و کنش‌های اجتماعی افراد را تنظیم می‌کنند و اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن الگوهای رفتاری را رعایت نکند، هنجارشکن شناخته شده و جامعه رفتار او را قبیح و خود او را مستحق مجازات می‌داند.

به نوعی می‌توان هنجارها را خطوط یا مدل‌هایی در نظر گرفت که به وسیله آن، افراد اعمال خود و دیگران را از لحاظ فکری، کنترل و ارزشیابی می‌کنند.

در این خصوص باید گفت هر فرد انسانی با رشد خود به سیستمی از ارزش‌ها نیازمند است که راهنمای اعمال او در جامعه بوده و کانونی برای مجتمع‌کردن شخصیت رو به کمال و رشد او باشد. ارزش‌ها عامل مهمی در همبستگی اجتماعی می‌باشند، به نحوی که ضمن انتقال از نسلی به نسل دیگر، باعث ادامه و تداوم نسلی و فرهنگی می‌گردند (محمد نجار، ۱۳۹۰).

هنجارهای اجتماعی، فرهنگ عمومی جامعه نیستند، بلکه قسمتی از فرهنگ عمومی محسوب می‌شوند و از اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ عامه جامعه به شمار می‌روند. فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه منسجم و نظام‌یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت (فردرو و همکاران، ۱۳۸۰).

برخی از هنجارهای اجتماعی دارای ضمانت اجرایی کیفری (دنیوی) می‌باشند و برخی دیگر صرفاً، عدم رعایت آنها در جامعه امری ناپسند شمرده شده و با واکنش منفی جامعه روبه‌رو می‌گردد.

هنجارهای اجتماعی دو گونه‌اند: ۱. بشری ۲. دینی.

هنجارهای بشری، هنجارهایی هستند که در تمامی ادیان و مکاتب بشری عموماً یکسانند و همه انسان‌ها عدم رعایت آنها را امری قبیح قلمداد می‌نمایند؛ برای نمونه، می‌توان به دروغ، غیبت، سوءنیت و... اشاره کرد که در همه مکاتب بشری عموماً امری زشت و ناپسند دانسته می‌شود.

هنجارهای دینی، علاوه بر هنجارهای بشری، این قسمت از هنجارها مواردی می‌باشد که بر مبنای باورها و عقاید دینی، رعایت آن بر پیروان و باور باورمندان به آن دین لازم شمرده می‌شود؛ برای نمونه، می‌توان به سرقت، قتل، روابط نامشروع و... اشاره کرد. برخی از هنجارهای دینی در زمره هنجارهای بشری نیز قرار می‌گیرند. در ادامه، بررسی می‌شود که برخی از هنجارهای اجتماعی دین اسلام، از آنجا که مبتنی بر فطرت انسان‌ها هستند، رعایت آنها عموماً، در جوامع خوب دانسته شده و به عبارتی، در بسیاری از جوامع، هنجار بشری نیز محسوب می‌شوند.

برای نمونه می‌توان به خوش‌رفتاری، احترام، فروتنی، راستگویی، دیدوبازدید، خیرخواهی، ادب، برآوردن نیاز و کمک و یاری، همدردی، ایثار، جویاشدن احوال (پارسایان، ۱۳۹۷)، پاکیزگی و زیبایی اشاره کرد. به عنوان مثال، از نظر خداوند، وقتی شخصی به دیدار آشنایان می‌رود، خوب است که چهره‌ایی زیبا و منزه و لباسی آراسته داشته باشد (معینی پناه، ۱۳۹۴) که این مورد و موارد قبل همگی مورد تایید و پذیرش همه انسان‌ها می‌باشد.

یافته‌ها

۱. سیاست جنایی اسلام در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی

۱-۱. جرایم مرتبط با اعمال و رفتار خصوصی افراد

در خصوص اعمال و رفتار خصوصی افراد در خلوت خودشان، حکومت اسلامی دخالتی ندارد؛ هرچند عملی را که انجام می‌دهند، ناپسند و قبیح باشد و برای مرتکب آن وعده عذاب و کیفر اخروی داده است. تا زمانی که رفتار اشخاص علنی نشده و یا موجب ضرر و ازبین‌رفتن حق اشخاص دیگر نشود، غالباً ضمانت اجرایی کیفری برای رفتار افراد وجود ندارد

و از تعالیم اسلامی این گونه برداشت می شود که سیاست جنایی اسلام در این موارد مداخله ای ندارد. (چگنی و قنبری، ۱۳۹۷: ۱۷۸)

۲-۱. جرایم مرتبط با عفت عمومی

سیاست جنایی اسلام در جرایم مرتبط با عفت عمومی، با سیاست بزه پوشی خصوصاً، در جرایم جنسی همراه است. برای تایید این مدعا می توان به قاعده درء و اثبات سخت این جرایم اشاره داشت. برای این جرایم و رفتارها که در صورت شیوع پیدا کردن در میان افراد، یکان جامعه نسل آدمی را از بین می برند، اسلام مجازات تایید کرده و ضمن آنکه مرتکبین را از مجازات الهی بیم داده، حاکمان و افراد جامعه را به پرده پوشی و فاش نکردن این جرایم دعوت کرده است و حتی مجرم را به زبان فرو بستن و اقرار نکردن و در فرض اقرار، به ساکت شدن و دعوت او به توبه و بازگشت به دامن لطف الهی و رحمت الهی فرا می خواند. در واقع، همین دعوت مجرم به توبه در این جرایم نکته بسیار قابل توجهی می باشد که باید به آن نگاهی شایسته داشت. طبعاً، آثار مثبت این گونه برخورد با مجرم در جامعه بر کسی پوشیده نیست.

آنچه که از کلام و سیره حضرت علی (ع) نقل شده است، حکایت از این دارد که ایشان با مجرمانی که مرتکب برخی از جرایم مانند جرایم منافی با عفت شدند، برخورد این چنینی داشته است. روایت شده که بعد از اقرار فردی به زنا، امام با ناراحتی فرمود: «چقدر قبیح است که فردی از شما مرتکب این گونه جرایم شود و خود را در حضور مردم رسوا نماید. آیا نمی تواند در خانه اش توبه کند؟ به خدا قسم، توبه این فرد بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد توسط من بر اوست.» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۸۸). امام حتی به حکمرانان خود دستور می دهد تا عیوب مردم را بپوشانند و با کمتر شبهه ای از اجرای حدود سرباز زنند. «استر عوره رعیتک و لاتکشف ماطوی عنک.» (عامری نیشابوری، السعاده و السعاده: ۲۸۳؛ به نقل از فریدی، ۱۳۹۱: ۴۴).

۳-۱. جرایم مرتبط با حقوق عمومی

اسلام همانطور که به نظم فردی بها می دهد، به نظام اجتماعی هم توجه دارد. در خصوص مجازات ها، ارباب مجرمین از مجازات، باید گفت مجازات می تواند عامل مهمی در پیشگیری از جرایم باشد؛ به این معنا که هم جلوی تکرار جرم را می گیرد و بازدارندگی خاص برای مجرم دارد و هم اساساً، مانع فراروی افراد در عمل مجرمانه است؛ بازدارندگی عام برای سایرین دارد. بدیهی است که این بازدارندگی در صورتی خواهد بود که مضار و پیامدهای

ناخوشایند ارتکاب جرم بر منافع و سود حاصل از آن غلبه داشته باشد. دیگر آنکه هم اجرای مجازات و هم نفس وجود مجازات‌ها، این پیام را برای دیگران دارد که آن‌ها نیز در صورت ارتکاب چنین اعمال ناشایستی، مجازات خواهند شد. در روایتی حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «خداوند ایمان را برای پاک‌شدن از شرک... و قصاص را به خاطر حفظ خون‌ها (از ریخته‌شدن بی‌مورد) و اجرای حدود را برای اهمیت دادن به جرایم و ترک شراب‌خواری را برای حفظ عقل و ترک دزدی را برای حفظ پاکدامنی و ترک زنا را برای محافظت از نسب و ترک لواط را برای استمرار نسل واجب نمود.» (نهج البلاغه، ح ۲۴۴). با دقت نظر در این کلام حکیمانه امام علی(ع)، روشن می‌شود که هدفی که ایشان از مجازات‌ها ترسیم می‌کند، اصلاح و به سامان درآوردن امور اجتماعی و فردی می‌باشد که البته، بازدارندگی مجازات در طریق نیل به این هدف است. در اجتماع انسانی باید ضمانت اجرایی برای حفظ جان و ناموس مردم وجود داشته باشد تا هرکس به خود اجازه حرمت‌شکنی و حریم‌سوزی را ندهد و در فرض تجری و گستاخی، این ضمانت اجرا در مورد او اجرا گردد (فریدی، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴).

در حکومت اسلامی بر مبنای عدالت، چنانچه فردی یا کارگزاری مرتکب فسادی شود، حاکم جامعه، به نسبت بزرگی آن فساد، با آن مجرم و یا کارگزار با توجه به شخصیت او، برخورد می‌کند؛ برخی را با تذکر متنبه می‌کند و برخی دیگر را با تهدید و احضار و... تنبیه می‌کند. شدیدترین برخورد با کارگزاران متخلف، مجازات آنها است. ممکن است برخی در مقام ایراد بگویند که مجازات چهره‌ای خشونت‌آمیز دارد و با فطرت آدمی سازگار نیست. این نگاه به مجازات، یک نگاه سطحی‌نگرانه است؛ چرا که مجازات سبب می‌شود که اولاً، شخص گناهکار نسبت به عمل خویش متنبه شود و راه درست را در پیش گیرد؛ یعنی اگرچه مجازات چهره‌ای خشن دارد، اما در بطن عمل در واقع، به شخص گناهکار لطف شده است و ثانیاً، اگر حدود در جامعه اجرا نشود، جامعه با خطری جدی مواجه خواهد شد. شاید بخشش گناهکار در برخی موارد لطف به او باشد، اما این بخشش می‌تواند ظلم به جامعه باشد و در تزامم بین رافت با مجرم و صلاح جامعه، بدیهی است که باید صلاح جامعه در اولویت باشد (مطهری، ۱۳۸۹).

با توجه به سیره حضرت علی(ع) در برخورد با جرایم مرتبط با حقوق عمومی، همچون نامه ایشان به ابن عباس، فرماندار بصره که اموال عمومی را فروخته و به مکه گریخته بود و موارد دیگر چون جریان ابن هرمة که در ادامه بیان می‌گردد، نشان از سخت‌گیری ایشان بر کسانی می‌باشد که جرایم مرتبط با حقوق عمومی را مرتکب می‌شدند.

برای نمونه، ایشان در نامه‌ای خطاب به زیاد بن ابیه، که جانشین فرماندار بصره بود، می‌فرمایند: «همانا من به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی، با درود.» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۹۹). در اینجا، امام با توجه به شناختی که از شخصیت زیاد داشتند، در این نامه با زبان تهدید به او هشدار دادند که مبادا در بیت‌المال مسلمین خیانت کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۵: ۱۳۹۲). در نمونه دیگر، امام (ع) پس از گزارشی که در مورد ویژه‌خواری نزدیکان فرماندار اردشیرخره به دستشان رسید، در نامه‌ای خطاب به او می‌فرماید: «گزارشی از تو به من داده‌اند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای؛ خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تواند و تو را برگزیده‌اند، می‌بخشی. به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است. پس، حق پروردگارت را سبک‌شمار و دنیای خود را با نابودی دین، آباد نکن که زیانکارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال مساوی است. همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند.» (شریف رضی، نامه ۴۳).

نمونه‌ای در برخورد امام (ع) با مسئول خائن و فاسد، به جریان ابن هرمه پرداخته می‌شود. پس از آنکه به حضرت علی (ع) خبر می‌دهند که ابن هرمه، ناظر بازار اهواز، رشوه گرفته و در بیت‌المال خیانت کرده است، حضرت فوراً به رفاعه، فرماندار ناحیه اهواز، نامه‌ای می‌نویسند و از او می‌خواهد ابن هرمه را مجازات کند. امام در این نامه می‌فرماید: «هنگامی که نامه مرا خواندی، ابن هرمه را از نظارت بازار برکنار دار و او را به مردم معرفی کن و به زندانش افکن و رسوایش ساز و به همه بخش‌های تابع اهواز بنویس که من اینگونه عقوبتی (شدید) برای او معین کرده‌ام، مبادا در مجازات او غفلت و یا کوتاهی کنی که نزد خداوند خوار می‌شوی؛ و من به شدیدترین صورت ممکن تو را از کار برکنار می‌کنم و خدا آن روز را نیاورد و چون روز جمعه رسید، او را از زندان درآور و ۳۵ تازیانه بزن و در بازارها بگردان؛ و هرکس گواهی آورد که ابن هرمه از او چیزی ستانده است، او را با گواه خود قسم ده و مبلغ مورد شهادت را از مال ابن هرمه بردار و به طلبکار بده، دوباره ابن هرمه را خوار و سرافکننده به زندان بازگردان و پاهایش را در بند گذار و تنها برای نماز باز کن؛ فقط اگر کسی برایش خوراک یا نوشابه یا پوشاک یا زیراندازی آورد، به او برسان؛ و مگذار ملاقاتی داشته باشد که راه پاسخگویی به

محاكمه را به او نشان دهد و به آزاد شدن از زندان امیدوارش سازد؛ و اگر دانستی که کسی چیزی (عذری) به او آموخته است که به مسلمانی زبانی می‌رساند، او را نیز تازیانه بزن و به زندان انداز تا توبه کند. شب‌ها زندانیان را به فضای باز بیاور تا تفریح کنند، جز این هر مه؛ مگر بررسی که بمیرد. در این صورت او را نیز با دیگران به حیات زندان بیاور؛ و اگر دیدی هنوز طاقت تازیانه خوردن دارد، پس از ۳۰ روز، ۳۵ تازیانه دیگر به او بزن پس از ۳۵ تازیانه اول- و برای من بنویس که درباره بازار (و نظارت بر آن و پایان دادن به هرگونه خیانتی به مردم) چه کردی و پس از این خائن، چه کسی را برای نظارت برگزیدی. در ضمن، حقوق ابن هر مه خائن را قطع کن.) (بروجردی، ۱۳۸۶: ۳۰؛ ۴۷۸). از این موارد می‌توان متوجه شد که حضرت علی (ع) برای مبارزه با فساد صرفاً به توصیه‌های خود اتکا نمی‌کردند و ایشان همه کارگزاران را مورد نظارت دقیق قرار می‌دادند و اگر کارگزاری مرتکب جرم و یا فساد می‌شد، او را مورد مجازات قرار می‌دادند.

موارد دیگری در سیره حضرت در برخورد با کارگزاران و افراد فاسدی که علیه حقوق عمومی و عموم جامعه رفتار کردند و مرتکب جرم شده‌اند، وجود دارد که همه نشان از شدت برخورد ایشان در زمینه جرایم علیه حقوق عمومی می‌باشد. لکن، برای جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر دیگر موارد خودداری می‌کنیم.

۲. گسترش و تقویت عفاف و حجاب در جامعه

۱-۲. پیشینه حجاب

حجاب در ایران باستان چه در دوره هخامنشی و یا دوره ساسانی وجود داشته و زن در ایران باستان، جایگاه خاص و ویژه‌ای دارا بوده است. حجاب امری است که نه تنها در ایران، بلکه در سایر ملل نیز از گذشته وجود داشته است. به بیان دیگر، آنچه مسلم است، این می‌باشد که قبل از اسلام، حجاب در جهان وجود داشته و اسلام مبتکر آن نیست (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۷)؛ اما اینکه حدود حجاب اسلامی با حجابی که در ملل باستانی بوده، یکی است یا نه و اینکه علت و فلسفه‌ای که از نظر اسلام حجاب را لازم می‌سازد، همان علت و فلسفه است که در جاهای دیگر جهان، منشأ پدید آمدن حجاب شده است یا نه، مطلب دیگری است که برای جلوگیری از اطاله کلام به آن پرداخته نمی‌شود.

۲-۲. سیاست کیفری و حجاب

مقابله با بزه و پدیده مجرمانه و همچنین، اعمال و رفتارهای خلاف هنجارهای دینی و اجتماعی، از موضوعات مهم هر نظام کیفری از گذشته تا به امروز می‌باشد. به تدریج، با توسعه حقوق کیفری و متنوع شدن آن در رشته‌های مورد نیاز، نوع رویکرد به جرم و بزهکار در سایر تفکرات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز تغییر پیدا کرد؛ بر اساس این تحولات، این اندیشه بروز و ظهور پیدا کرد که در همه موارد مقابله با پدیده مجرمانه از طریق مجازات و کیفر، روش مناسبی نبوده و حتی در برخی موارد ممکن است نتیجه معکوس نیز بدهد. در ادامه جریان تحولات، دیدگاه جدیدی ظهور پیدا کرد مبنی بر اینکه برای مقابله با بزه، باید اوضاع و شرایط و احوال اشخاص را نیز مدنظر داشت و با تغییر در آن، از ارتکاب بزه جلوگیری کرد. این رویکرد در سیاست جنایی به عنوان پیشگیری غیرکیفری مطرح شد. در واقع، سیاست جنایی سعی دارد از این طریق، در روند کیفرزایی گام بردارد و این هدف را تا جایی که امکان دارد، در پیشگیری به مقابله با جرم، از کیفر و مجازات موثر باشد، مورد توجه قرار داده است (علوی، ۱۴۰۰: ۶۰).

پیشگیری غیرکیفری (کنشی) تدابیر و شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری در بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند. این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدامات غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی و فرایند شکل‌گیری افراد، به دنبال جلوگیری از وقوع بزهکاری می‌باشد (زرگری، ۱۳۹۰: ۷۵). در این روش سعی می‌شود با کنترل عوامل اجتماعی موثر مانند شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، از ارتکاب جرم در آینده جلوگیری شود و فرصت‌هایی که زمینه جرم‌زایی دارند، کاهش یابند. می‌توان از انواع آن، پیشگیری اجتماعی، جامعه‌مدار، رشدمدار و پیشگیری وضعی را نام برد که در واقع، اتخاذ همه این روش‌ها در جهت سیاست کیفرزایی می‌باشند.

در حقیقت، باید بیان داشت که استفاده از ابزار فرهنگی و فعالیت فرهنگی، خود نوعی پیشگیری از جرایم و رفتارهای خلاف ارزش و هنجار شناخته می‌شود و حتی می‌توان با این ابزار افراد جامعه را به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ترغیب کرد. استفاده از حقوق کیفری اساساً، باید آخرین راهکار باشد؛ زیرا اصلاح جامعه با ابزار فرهنگ، نتایج عمیق‌تر و دائمی‌تری نسبت به سلاح مجازات به دنبال خواهد داشت و این نظریه‌ای است که در مباحث پیشگیری از جرم نیز به شدت مورد تاکید قرار گرفته است (کوشا، ۱۳۸۸: ۶۴۳). در نظام‌های

سیاسی قانونمدار و پایبند به ارزش والای آزادی، اصل اول، آزادی شهروندان است. تهدید آزادی‌ها، در هر قالبی از طریق جرم‌انگاری و یا پیشگیری از جرم، به توجیه کافی نیاز دارد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۴: ۳۴ به نقل از چگنی و عبدالمی، ۱۳۹۹). حقوق کیفری و سیاست جنایی، بدون تقید به اصل حداقلی بودن مداخلات جزایی، مانند جنگجویانی هستند که همواره در حال مبارزه و شمشیر کشیدن‌اند؛ بدیهی است در چنین وضعیتی، اگرچه ظرفیت‌های کیفری مراجع سیاستگذار و مجری قوانین جزایی، به وفور آزاد می‌شوند و به مرحله اجرا درمی‌آیند، اما نه تنها توانایی و مهارت مراجع رسمی، به منظور استفاده از سایر ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کاهش خواهد یافت، بلکه حتی منجر به این خواهد شد که شهروندان پرداخت هزینه‌های کیفری را جزئی از هزینه‌های معمول زندگی خود بشمارند و از جمله با میل و رغبت به استقبال راهکارهای پیشگیری از جرم نروند؛ در این صورت، تصور شمول کیفر و یا پیشگیری‌های صرفاً سرکوبگرانه نسبت به شهروندان هیچ یک از اهداف نظام عدالت کیفری را محقق نخواهد کرد. بر همین اساس، طبق گفته هابز: «حاکم مدنی شمشیر عدالت را به صورت پیوسته به کار می‌برد، اما به چیز داغی می‌ماند که نمی‌تواند آن را پیوسته در دست خود نگه دارد.» (چگنی و عبدالمی، ۱۳۹۹: ۷۷).

سیاست جنایی اسلام نیز این چنین است؛ تا زمانی که بازدارندگی بزهدار به وسیله موعظه و راهنمایی امکان پذیر باشد، از کیفر و مجازات استفاده نمی‌گردد. نمونه این رویکرد را می‌توان در آموزه‌هایی مانند اعتقاد به معاد و همچنین، نهاد امر به معروف و نهی از منکر مشاهده کرد (علوی، ۱۴۰۰: ۶۰). در حقوق کیفری، فرایند اصلاح و تربیت همواره مقدم بر اعمال کیفرند و نباید پیش از اتخاذ یک سیستم تربیتی و صحیح و کارآمد، به کیفر و مجازات روی آورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آخر الدوا الکی؛ مجازات همواره آخرین رتبه و مرتبه در برخورد با ناهنجاری فرد است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸). بنابراین، وجود سیستم کیفری هرچند ضروری و لازم است، هیچگاه تقدم آن در مقام عمل و اجرا را نمی‌رساند. نکته بسیار جالب توجه آن است که در اسلام، سیستم کیفری نیز سبقه اصلاحی و تربیتی دارد؛ بدین معنا که این داروی ناخوشایند و زجرآور با هدف اصلاح و تربیت شخص اعمال می‌شود (فریدی، ۱۳۹۱: ۵۲).

آموزش و تعلیم و تربیت خصوصاً، در دوران جوانی و نوجوانی در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش بسزایی دارد. لذا، پیشنهاد می‌گردد با آموزش صحیح کودکان و نوجوانان در مدارس و جوانان در محیط دانشگاه، با تبیین جایگاه و اهمیت رعایت عفاف و حجاب اقدام گردد. با

اصلاحات آموزشی و به‌روزکردن محتوای آموزشی و ابزار آموزشی کارآمد و نیز هم‌چنین، بهره‌گیری از مربیان توانمند و متخصص می‌توان به تربیت صحیح نسل آینده کشور دست یافت (عبداللهی، دارابی و چگنی، ۱۳۹۹: ۷-۲)

در زمینه گسترش و تقویت عفاف و حجاب در جامعه، برخورد با علت اولویت بیشتری به نسبت برخورد با معلول دارد. لذا، با استفاده از ابزارهای فرهنگی باید در زمینه تعلیم و تربیت و پیشگیری اجتماعی برای دستیابی به این مهم گام برداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی به ارزشهای دینی و نحوه رعایت هنجارهای اجتماعی در جوامع، مشخص می‌گردد که رعایت هنجارهای اجتماعی (بشری و دینی) امری درونی و وجدانی می‌باشد و برای گسترش و تقویت ارزش‌های دینی در جامعه، باید با تبیین جایگاه آنها، افراد خودشان به اهمیت آن موضوع پی ببرند و در راستای رعایت آن گام بردارند؛ برای نمونه، در دوره پهلوی اول که حکومت وقت بنا داشت تا با کشف اجباری حجاب، ارزش دینی و هنجاری که در جامعه ایرانی از پیش وجود داشته بود را از بین ببرد؛ اما در نهایت، آن سیاست شکست خورد و مردم خصوصاً زنان مسلمان ایران با رعایت حجاب خود، این ارزش دینی را حفظ کردند. دیگر آنکه استفاده از ابزار کیفری اساساً، باید آخرین راهکار بوده و در موارد محدود اجرا گردد. همانطور که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آخر الدوا الکی». استفاده از ابزارهای فرهنگی برای اصلاح و تربیت انسان‌ها اولویت داشته و اثرگذاری عمیق‌تر و ماندگارتری هم خواهد داشت و آخرین راهکار برای اصلاح افراد جامعه باید استفاده از ابزارهای کیفری باشد. لذا، پیشنهاد می‌گردد برای گسترش و تقویت عفاف و حجاب در جامعه، باید از طریق ابزارهای فرهنگی، از راه‌هایی همچون فراهم کردن شرایط ازدواج جوانان و نیز از طریق تعلیم و تربیت و پیشگیری اجتماعی به تبیین جایگاه و اهمیت رعایت عفاف و حجاب، به کودکان و نوجوانان و جوانان در مدارس و دانشگاه‌ها و حتی با استفاده از رسانه‌های جمعی مانند صداوسیما اقدام کرد و استفاده از ابزار کیفری را همانطور که پیش‌تر بیان گردید، که برای حفاظت از اجتماع و حفظ نظم و حقوق دیگران کاربرد دارد، در موارد ضرورت و مورد نیاز به کار گرفت و از برخورد کیفری با ناهنجاری‌های مربوط به حوزه عفاف و حجاب به صورت حداقلی استفاده کرد.

منابع

نهج البلاغه

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. (۱۳۹۲). ترجمه شرح نهج البلاغه. ابن ابی الحدید معتزلی. مترجم: غلامرضا لایقی. کتاب نیسان.
- ایمانیان، مهرداد. (۱۳۹۸). تاثیر فعالیت بازاریابی رسانه های اجتماعی بر وفاداری به برند: نقش میانجی ارزش منصفانه، ارزش ویژه برند و ارتباط منصفانه: مورد مطالعه: کلیه مشتریان برند ایکس ویژن در جامعه آماری اینستاگرام. [پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان].
- ادیب، آدینه. (۱۳۹۹). تحلیل نشانه شناختی ارزشهای دینی در آگهی های تجاری شبکه یک سیما. [پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سوره].
- بروجردی، سید حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه (للبروجردی). فرهنگ سبز.
- بروجردی علوی، مهدخت؛ حداد، نسرين. (۱۳۹۱). ارزش های اخلاقی ارائه شده در تبلیغات بازرگانی تلویزیون جمهوری تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، برای فروش مواد غذایی به کودکان و نوجوانان. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳(۴۹)، ۲۵۴-۲۱۳.
- https://www.jccs.ir/article_3383.html
- پارسایان، فاطمه. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت های مبتنی بر آموزه های دینی بر میزان گسستگی عاطفی زنان. [پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا].
- تقوائی، عباس؛ محمودی، امیررضا و قوامی پور سرشکه، محدثه. (۱۴۰۱). تاثیر آموزه های اسلامی و سلامت معنوی در پیشگیری از جرایم. اسلام و سلامت، ۷(۲)، ۱۰-۷.
- <https://iahj.ir/article-1-283-fa.html>
- چگنی، مهدی و عبدالهی، سامان. (۱۳۹۹). رویکرد اسلام به اخلاق مداری و قانونمندی در پیشگیری از جرم، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷(۵۲)، ۸۸-۵۹.
- http://init.jrl.police.ir/article_93902.html
- چگنی، مهدی و قنبری، محمد. (۱۳۹۷). عدالت و آزادی در پیشگیری از جرم. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳(۴۹)، ۱۸۶-۱۶۵.
- http://cps.jrl.police.ir/article_91219.html
- حاجی تبارفیروزجایی، حسن. (۱۳۹۸). نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش ها و راهکارهای مقابله با آن. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۵(۵۶)، ۶۸-۴۷.
- https://journals.iau.ir/article_666893.html
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم. صفی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. جلد ۲ و ۸. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زرگری، سید مهدی. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم. نگاه بینه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.

- عبدالهی، سامان؛ دارابی، شهرداد؛ چگنی، مهدی. (۱۳۹۹). پیشگیری مدرسه‌محور از گرایش دانش‌آموزان در معرض خطر بزهکاری به مصرف مواد مخدر و روانگردان. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۱(۵۷)، ۱-۲۵.

http://cps.jrl.police.ir/article_95011.html

- علوی، سید حسن. (۱۴۰۰). پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام. *گفت‌وگو حقوقی*، ۱۰(۱۹)، ۵۹-۸۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1900908>

- فردرو، محسن و دیگران. (۱۳۸۰). *جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)*. آرون. چاپ اول.
 - کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷). *الفروع من الکافی*. چاپ سوم. دارالکتب الاسلامیه.
 - کوشا، جعفر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی. بنیاد حقوقی میزان.
 - فریدی، راضیه. (۱۳۹۱). بررسی قضاوت‌های حضرت علی (ع) بر حسب دلایل. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان البرز].
 - مرادی پسند، گلناز؛ بشیریه، تهمورث؛ غلامی دون، حسین. (۱۴۰۱). رسوخ کیفرگرایی به قلمرو کیفری و تاثیر آن بر سیاست‌های کیفرزدا، *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۰(۲۴)، ۷-۳۴.

https://jcl.ac.ir/article_141507.html

- محتشم، آرزو. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مفاهیم انعطاف‌پذیری، عوامل ایجاد و جایگاه آن در مسکن معاصر با رویکرد اسلامی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام رضا].
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *جاذبه و دافعه علی(ع)*. آدینه سبز.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). *مسئله حجاب، ویرایش ۴*، تهران، انتشارات صدرا.
 - معینی پناه، اعظم. (۱۳۹۴). بررسی اصول مدیریت آموزشی از دیدگاه علوم با تاکید بر نهج‌البلاغه. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی].
 - محمد نجار، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی ارزش‌های دینی در سینمای ایران (مورد مطالعه: تحلیل بینامتنی سینمای دینی در ایران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله (ره). (۱۳۷۷). *سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی*. مجموعه مقالات. انتشارات نیروهای مسلح.